

یادداشت مولف

کلید فیم «ابن عربی»



■ کتابی که اخیرا در دست نگارش دارم و اکنون روی فصل‌های پایانی آن کار می‌کنم، «مفتاح‌الفتوحات» نام دارد. این کتاب در واقع تفسیری از کتاب «گلشن‌راز» شبستری است. مدعای من این است که اگر گلشن راز را خوب درک کنیم می‌توانیم به کلید فهم کتاب «فتوحات» ابن‌عربی برسیم چرا که فهم فتوحات ابن‌عربی نیاز به کلیدهایی دارد و این کلیدها را ما می‌توانیم در کتاب شیخ محمود شبستری پیدا کنیم

ابن‌عربی‌ای که در ایران شناخته شده است و در مورد آن مطالعه می‌شود، ابن‌عربی «فصوص‌الحکم» است.این ابن‌عربی برای ایرانیان شناخته شده است، اما ما ابن‌عربی فتوحات را نمی‌شناسیم. درست است ابن‌عربی آثار تالیفی زیادی دارد اما همین فصوص‌الحکم و فتوحات، مهم‌ترین و شناخته‌ترین آثار وی هستند اما این دو کتاب با هم تفاوت‌هایی دارند. فصوص‌الحکم کتاب موجز، مختصر و چکیده است.اما فتوحات مفصل و مبسوط است و حجم بسیاری هم دارد. فصوص‌الحکم چون شرح‌های بسیاری دارد و نویسندگان و دانش‌پژوهان بسیاری روی آن کار کرده‌اند و در دانشگاه‌ها هم تدریس می‌شود، برای خوانندگان ایرانی شناخته شده‌است.اما فتوحات با اینکه بسیار مهم است، ولی چون شرح و تفسیر ندارد کمتر کسی به سراغش می‌رود. این چهره ابن‌عربی شناخته نشده است، ما می‌توانیم با نزدیک شدن به کتاب شبستری مقدمه و مدخلی برای فتوحات ابن‌عربی پیدا کنیم.مهم‌ترین بحث فتوحات «وحدت وجود» است، که با شکلی خاص در گلشن راز آمده است.

دیگر مبحث مهم که در این کتاب به آن پرداخته‌ام، مبحث «خیال» است که بسیاری اهمیت دارد. مبحث دیگر، وضع و دلالت الفاظ است. این مبحث و مباحث متصل مربوط در این کتاب مطرح می‌شوند. سعی دارم در قسمت‌های پایانی کتاب به این دو مبحث (وضع و دلالت الفاظ) بپردازم و درباره دو صورت از آنچه در هستی اتفاق افتاده است، بحث کنم. تعبیر «تمثل» و «تمثیل».

تمثل شکلی مجرد است که در حالت مادی ظهور می‌کند و بحث دیگر تمثیل است. همانطور که می‌دانید عالم دو قوس یا دو نیم‌دایره دارد. قوس هستی موجودات و قوس معرفت و شناخت انسان؛ قوس وجود در قالب تمثل ظاهر می‌شود، مثلا اگر یک امر مجرد و مادی به شکل خاص در آید، این قوس مخصوص نزول است، اما اگر انسان بخواهد سیر صعودی داشته باشد و به جنبه شناخت و معرفت برآورد، وارد جنبه تمثیل می‌شود. یعنی اینکه از ظاهر امور گذر کنیم تا بتوانیم به کنه و باطن امر و موجودات برسیم. در آخر باید بگویم که قصد من از نگارش این کتاب، طرح مقدمه‌ای برای ورود به فتوحات ابن‌عربی است که دریایی موج و خروشان و ناشناخته‌است!

ویرتین

رویکردی برای مدیران



■ کتاب مبانی و رویکردهای مدیریت خویشتن، اثر دکتر علی رضاییان در ۹ فصل تنظیم شده‌است. فصل اول با عنوان شخصیت در این مباحث (تعریف شخصیت، عوامل تعیین‌کننده شخصیت، رشد شخصیت، چارچوب دسته‌بندی صفات شخصیتهی و...) به رشته تحریر در آمده‌است.

شخصیت از دید این نویسنده به معنای همان تفاوت‌های فردی است که موجب ثبات در رفتار شخص می‌شود و عبارت است از مجموعه نسبتاً پایداری از ویژگی‌هایی که بر رفتار فرد اثر می‌گذارد. در فصل دوم تفاوت‌های فردی را باز می‌کند و فصل سوم را به هویت اختصاص می‌دهد و هویت را چنین تعریف می‌کند که در دو مفهوم به‌ظاهر متناقض به کار می‌رود. نخست به معنای همسانی و یک‌خوانی شغلی و مطلق و دوم حاوی ثبات یا تداوم در طول زمان است و در فصل چهارم، پنجم و ششم به توانایی‌ها و عملکرد، مدیریت احساسات و نگرش‌های شغلی می‌پردازد. در فصل هفتم رضاییان مساله رضایت شغلی را باز می‌کند و آن را در سه بعد مهم تقسیم می‌کند. نخست آنکه رضایت شغلی پاسخ عاطفی به وضعیت شغل باشد. دوم اینکه رضایت شغلی غالباً با افزونی نتایج از انتظارات یا دست‌کم برابر انتظارات معین می‌شود و سوم برخورد عادلانه است و در دو فصل آخر نویسنده تعهد سازمانی و مدیریت خویشتن را برای خوانند‌گانش تشریح‌می‌کند.

بخشی از کتاب «در مدح عشق»کتاب کوچک عشق

آلن بدیو/ترجمه: امیر هوشنگ افتخاری‌راد

آلن بدیو فیلسوف فرانسوی در ایران به همت **مrad** **فرهادپور** و برخی دیگر، تا اندازه‌ای شناخته شده و بعضی از آثار او به فارسی ترجمه شده‌اند. به تلاّگی کتاب **کوچکی از او** با ترجمه انگلیسی، در خصوص عشق به چاپ رسیده است. او تلاش کرده است در این مختصر، نظریات خود را درباره عشق با زبان ساده‌تری بیان کند. کتاب از شش بخش تشکیل شده است که به مباحث متفاوت پیرامون عشق می‌پردازد. این کتاب به فارسی ترجمه شده است و آنچه در پی آید قسمت نخست آن با عنوان «عشق در معرض تهدید» است.

■ ■ ■

همان‌طور که می‌دانیم عشق را باید از نو ابداع کرد
آز تور رمبو، فصلی در دوزخ، هذیانات ۱
یک فیلسوف، وضعیت‌های بی‌شماری را در زندگی که در آنها هیچ تفاوتی با دیگران ندارد، هرگز نباید به دست فراموشی سپارد. اگر فراموش کرد، سنت نمایش، علی‌الخصوص کمدی، به طرز بی‌رحمانه‌ای این واقعیت را به او گوشزد خواهد کرد. با این حال، فیلسوف عاشق نوعی شخصیت متداول روی صحنه‌ای است که در لحظهای خرد رواقی و سوه‌ظن خوب پرورده به شور و شر عشق‌اش در تمامیت‌شان دود می‌شوند. آن لحظه‌ای که زنی زیبا و خیرکننده خرامان‌خرامان به اتاق وارد می‌شود و برای ابد فیلسوف را با خود می‌برد. این موضوع را سال‌ها پیش دریافتم. پیشنهاد کرده‌ام که یک فیلسوف (و این نام خنثی طبیعتاً انواع مرد و زن را دربرمی‌گیرد) نه تنها باید دانشمندی متبحر، شاعری غیرحرفه‌ای و فعال سیاسی باشد بلکه باید به‌دیرد که قلمرو تفکر هرگز از حملات بی‌رحمانه عشق در امان نیست. فلسفه مستلزم عوامل هر دو جنسیت است تا نقش دانشمند، هنرمند، فعال و عاشق را به خود بگیرد. من آنها را چهار شرط فلسفه نام نهاده‌ام. به این دلیل بود که بلافاصله وقتی که نیکلاس ترונگ من را دعوت کرد تا برای گفت‌وگویی در مجموعه «مابیش ایده‌ها» که او در فستیوال آوینون ترتیب می‌دهد، به او ملحق شوم، پذیرفتم. این گفت‌وگو به نظر می‌آمد که نوشیدنی‌ای لذیذ و ترکیبی از نمایش، ازدحام، گفت‌وگو، عشق و فلسفه خواهد بود. از این گذشته، این گفت‌وگو قرار بود ۱۴جولای ۲۰۰۸ آجشن ملی جمهوری فرانسوی را برگزار شود و این ایده ستایش عشق را بپایز کردم. با هم خوب کار کردیم و یک موفقیت بود. هیچ تردیدی در آن نیست: تو خال زدی.

اکنون کمی بساد به غیبخ خود می‌اندازیم: نیکلاس پرسش‌هایی را پرسید و من نقش مبهم یک فیلسوف عشق را بپایز کردم. با هم خوب کار کردیم و یک موفقیت بود. هیچ تردیدی در آن نیست: تو خال زدی.

به صورت عام می‌توان گفت مطالعات سینمایی و نظر به فیلم به مباحثی نشانه‌شناسی، روانکاو، فلسفه، انسان‌شناسی و دیگر رشته‌های علوم انسانی به کمک «هنر شناسی» می‌آیند تا به درک معنای فیلم و گاه به بسط و گسترش آنها کمک کنند.

از این رو مطالعات سینمایی در ایران نه تنها برای علاقه‌مندان و مخاطبان سینما حوزه بسیار جذابی است بلکه علاقه‌مندان اندیشه انتقادی غرب نیز با ترجمه آثار و مقالات نظریه‌پردازان و فیلسوفانی چون اسلاوی ژیزک، رولان بارت، ژاک دریدا و... در این سال‌ها به این حوزه علاقه‌مندشده‌اند.

در همین راستا انتشارات «هینوی خرد» کتابی را روانه بازار کرده است به نام «سایه‌های نوآر». این کتاب شامل ۱۰ مقاله است از فردریک جیمسن، اسلاوی ژیزک، جوان کوپژیک، ماتتیا دیاولار، مارک ورنه و... به ویراستاری جوان کوپژیک. خانم کوپژیک نظریه‌پرداز و رولنگاو لاکانی معاصر و استاد دانشگاه بافالوی آمریکاست.

ویراستاری فارسی و ترجمه مقالات کوپژیک در این مجموعه را «هازیار اسلامی» به عهده داشته است. همچنین مترجمانی چون: صالح نجفی، ایمان گنجی، نادر فتوره‌چی، رحمان یوزری، امیر احمدی آریان و... عهده‌دار ترجمه باقی مقالات این کتاب بوده‌اند. این کتاب به نقد و تحلیل یکی از بحث‌برانگیزترین مفاهیم سینما که همان «فیلم نوآر» است می‌پردازد. در مقدمه کتاب، نوشته

ویراستار مجموعه، خوان کوپژیک آمده است:

«در این مقالات نمی‌توان اجماع کامل و دقیق درباره فیلم نوآر پیدا کرد. در حالی که به نظر می‌رسد برخی از

متنی که دارید می‌خوانید، تفصیل آن چیزی است که آن روز گفتیم. ریتم خودانگیخته، وضوح و نیرو را حفظ کرده است، اما بی‌نقص‌تر و قاطع‌تر. معتقدم که بعضی از آثار او به فارسی ترجمه شده‌اند. به تلاّگی کتاب **کوچکی از او** تا پایان، چیزی است که به آن می‌گویند: در مدح عشق، فیلسوفی که می‌اندیشد، آن را نغمه‌سرایی می‌کند، نظیر افلاطون، که از او نقل می‌کنم: «هرکس که عشق را نقطه آغازینی در نظر نگیرد، هرگز سرشت فلسفه را در نخواهد یافت.» به این ترتیب، در اینجا، با آلن بدیو طرف هستیم؛ فیلسوف عاشق، که با نیکلاس ترונگ، مستنطقی خردمند، فیلسوف و البته، یک عاشق، کلنچار می‌رود.

عشق در معرض تهدید

در کتاب معنای سار کوزی، که بعدها مشهور شد، ادله می‌آورید که «ما نه‌تنها باید عشق را از نو ابداع کنیم، بلکه کاملاً باید از آن دفاع کرد، زیرا از همه وجوه در معرض تهدید است.» به چه طریقی مورد تهدید است؟ از منظر شما، ازدواج‌های توافقی (۱) دوران قدیم، چگونه در جامه نوین امروزی از نو پیچیده می‌شوند؟ معتقدم که تبلیغات اخیر برای وبسایت‌های دوست‌یابی و قرار ملاقات، خاصه برای شما آزاردهنده است... بدیو: همین‌طور است. پاریس، پوسرژاندود شده است. سایت دوست‌یابی میتیک، که آگهی‌هایش به‌نظم واقعا اعصاب خردکن است. می‌توانم به تعدادی از استفاده‌های هوجی گرایانه شعارهایش اشاره کنم. نخستین سوءاستفاده از عنوان نمایشنامه مارویو (۲)، بازی عشق و بخت و اقبال، است، «عشق، یک اتفاق نیست!» و عبارتی دیگر: «عاشق شوید بدون اینکه در [آدام] عشق بیفتید!» هیچ کنده شدن و گسستی در میان نیست، درست؟ آن وقت: «بدون رنج به عشق تـام و تمامی برسید!» و همه ممنون سایت دوست‌یابی میتیک... که چنین سودایی را پیشنهاد می‌کند... مفهومی که حیرت‌زده‌ام کرده – «مربی عشق»... بنابراین آنها شما را به تعلیم‌دهنده‌ای مجهز می‌کنند که برای مواجهه با آزمون آماده شوید.

به زعم من این هوجی‌گری منعکس‌کننده مفهومی از «عشق» است که ایمنی را در درجه اول قرار می‌دهد. عشق به طور جامع علیه همه خطرات بیمه شده است: شما عشق خواهید داشت، در عین حال رابطه آینده را کاملاً از پزایی کرده‌اید، شریک خود را به دقت با جست‌وجوی آن‌لاین برگزیده‌اید – البته با گرفتن یک عکس، جزئیات سلاقیش، روز تولد، نشانه طالع‌بینی‌اش و قس‌علی‌هـذا... با قاطی کردن آنها می‌توانید به خود بگویید: «این یک انتخاب بدون خطر است!» این شعار بازارگرمی‌شان است و جالب توجه است که فعالیت

کتاب

تبلیغاتی باید آن را اختیار کند. بدیهی است، تا جایی که عشق، لذت است کمابیش هرکسی دنبالش است، چیزی که به قریب زندگی مردم، معنا و شور می‌دهد، من متقاعد شده‌ام که عشق نمی‌تواند هدیهای باشد براساس غیاب تام و تمام خطر. رویکرد میتیک مرا به یاد تبلیغات ارتش آمریکایی می‌اندازد زمانی که ایده بمب‌های «هوشمند» و جنگ‌های «بدون تلفات» (۳) ترویج می‌شد. پس شما فکر می‌کنید، رابطه‌ای بین جنگ «بدون تلفات» و عشق «بی‌خطر» هست، به همان منوال که جامعه‌شناسانی نظیر ریچارد سنت و زیگموند بومن، شباهتی می‌بینند بین این گفته کاپیتالیسم مالی که به کار گر فصلی می‌گوید «تعهدی به تو ندارم» با این جمله عاشق که به شریکش می‌گوید «هیچ تعهدی از جانب من نیست»، چنانکه آنها در دنیایی غوطه‌ورند که روابطشان تحت عنوان نوعی بی‌بند و ناری گرم و نرم و مصرفی یا ساخته می‌شود یا بر هم می‌خورد؟

دقیقا همان سناریوست. جنگ «بدون تلفات»، عشق «بی‌خطر»، با هیچ بخت و تضادفی مصادف نمی‌شود. با پشتوانه اقدامات وسیع تبلیغاتی، آن را نخستین تهدید برای عشق می‌دانم، چیزی که به آن خطر ایمنی می‌گویم. با وجود این، چندان بسا ازدواج توافقی فرقی ندارد. نه تحت نام نظم و سلسله مراتب خانواده توسط والدین مستبد بلکه تحت نام ایمنی و بی‌خطر بودن برای افراد درگیر، به‌واسطه توافقات پیشاپیش

که از تضادفی بودن، برخورد اتفاقی و در آخر از هرگونه طرافت شاعرانه وجودی به خاطر غیاب مقوله‌ای خطرپذیر اجتناب می‌کند، صورت می‌پذیرد.

دومین تهدیدی که عشق با آن مواجه است، انکار اهمیت عشق است. جفت مقابل تهدید ایمنی و بی‌خطر، این ایده است که عشق تنها یک گونه‌ای از هدونیسـم شایع و دامنه وسیع لذت ممکن است. هدف باید اجتناب از هرگونه چالش بی‌واسطه باشد، اجتناب از هرگونه تجربه عمیق و اصیل دیگربودگی که عشق از آن بافته می‌شود. معیضه، باید اضافه کنیم که همان‌طور که عامل خطر هرگز نمی‌تواند به طور کامل از بین برود، تبلیغات میتیک، نظیر تبلیغات برای ارتش‌های امپراتوری، می‌گوید که خطر، برای دیگری است! اگر تو برای عشق خوب تعلیم دیده باشی، با تاسی به ملاک‌های ایمنی مدرن، کار سختی برایت نخواهد بود که طرف را اگر مناسب نبود، از سر راه برداری. اگر آسیب دید و رنجید، مشکل خودش است، درست؟ او بخشی از مدرنیته نیست. به همین منوال آن عبارت «بدون تلفات» تنها نشانۀ نظامی‌گری غرب می‌شود. بمب‌هایی را که می‌اندازند، تعداد زیادی از مردمی را



می‌کشند که تقصیرشان این است که زیر بمب‌ها زندگی می‌کنند. لیکن این تلفات، افغان‌ها، فلسطینی‌ها و... هستند. اینها هم، به مدرنیته هم تعلق ندارند. ایمنی پیش از عشق، نظیر هر چیزی که تحت هنجارهای ایمنی هست، به معنای غیاب خطر برای مردمی است که واجد یک بیمه‌نامه خوب هستند. یک ارتش خوب، نیروی پلیس خوب، یک روانشناختی خوبی که عهده‌دار هدونیسـم شخصی است و همه خطرات برای افراد طرف مقابل هستند. باید در یافته باشید که چگونه همواره به ما گفته شده که همه چیز «برای راحتی و ایمنی شما» است، از چاله و چوله‌های پیاده‌رو تا گشت‌های پلیس در مترو. عشق ذاتا با دو دشمن روبروست: ایمنی که بیمه‌نامه آن را تضمین می‌کند و ناحیه راحتی که لذت‌های قاعده‌مند حدود و ثغور آن را تعیین می‌کنند.

بنابراین نوعی میناقی بین لیبرتارین‌ها و ایده‌های لیبرالی در خصوص عشق وجود دارد؟ به‌واقع فکر می‌کنم که لیبرال‌ها و لیبرتارین‌ها(۴) حول این ایده که عشق، یک خطر پوچ و عبث است، گرد می‌آیند. از یک طرف، ضمنا، می‌توانید قسمی ازدواج خوب برنامه‌ریزی شده داشته باشید که بهجت وصلت دنبال داشته باشد. لیبرال‌ها، از طرف دیگر، تمهیدات مفرح سرشار از لذت بی‌بند و بار را لیبرتارین‌ها؛ چنانچه به شور و شر عشق بی‌اعتنا باشید. از این منظر، واقعا فکر می‌کنم که عشق، در جهان امروز، گرفتار در این قید است، در این دور باطل و نتیجه مورد تهدید است. فکر می‌کنم رسالت فلسفه است، همچنین حوزه‌های دیگر، که برای دفاع از عشق صف‌آرایی کنند. چه بسا، به قول رمبو، عشق نیاز دارد که از نو ابداع شود. این دفاع نمی‌تواند به تنهایی دفاع برای حفظ وضع موجود باشد. جهان سرشار از رشد و تکامل‌های نوست و عشق باید نوآوری کند. خطرپذیری و ماجراجویی باید در قبال ایمنی و راحت‌طلبی، از نو ابداع شود.

بی‌نوشته‌ها:

۱- ازدواجی که بین خانواده توافقی می‌شود و دختر و پسر آن باید تن بدهند.م. ف. arranged marriage.
۲- پسر د کارلسه د چامبلن، نمایشنامه نویس و رمان‌نویس فرانسوی قرن هجدهم که خاصه به خاطر کمدی‌هایش مشهور است.م. ف.

۳- zero-dead wars

۴- فی الواقع، لیبرتارین‌ها کسانی هستند که به بیشترین حقوق فردی و کمترین دولت (طرفداران هایک) اهمیت می‌دهند و نیز کسانی که اختیار و اراده آزاد را مهم می‌دانند یا کسانی که به قید و بندهای امرجنسی در مناسبات اجتماعی بی‌توجه‌اند. لیبرال‌ها می‌توانند هم اعضای حزب سیاسی محسوب شوند و هم در معنای رایج آزادی‌خواه.م. ف.

درباره سینمای نوآر

سهراب کریمی

روش‌های متفاوتی در نگرش به این موضوعات را بر گزیده‌اند.

همچنین مقاله چهارم به قلم جنت برگ استورم به میناجی فیلم «گل‌دنیای آبی» اثر فریتز لانگ، سرکوب جنسی و سانسور را به عنوان دو عنصر مکمل هم در جامعه آمریکای آن‌سال‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد. این مقاله «معمای گرانمای آبی» نام دارد. «فیلم نوآر و زنان» به دنبال زینر سوال بردن گرایشی است که براساس آن نواور همواره قالبی مردمحور فیلم نوآر است و این فیلم‌ها

در قسمتی از مقاله خود به این نکته اشاره می‌کند که جانبداری مردمحور توجیهی انتقادی دارد اما همچنان زنان را به چشم شخصیت‌هایی می‌بیند که جایگاه کم‌اهمیت‌تری را اشغال کرده‌اند.

مقاله ویراستار این کتاب، جوان کوپژیک، با این مساله آغاز می‌شود: در تحلیل نهایی، اعداد چه نیست و پیوندی با کشف و امور کارآگاهی دارد؟ کوپژیک در مقاله خود به نام «فضای خصوصی و فیلم نوآر» می‌کوشد درباره این موضوع استدلال کند که: نظام خنثی و راكد اجتماع و مبادله نمادین که جهان کلاسیک را تأیید کرده بود جایش

پیشخوان

توسعه جامعه‌شناختی



■ کتاب جامعه‌شناسی توسعه، اثر موسی عنبری در سه‌بخش به رشته تحریر در آمده است. بخش نخست به عنوان مفهوم‌شناسی توسعه در یک فصل (مفاهیم بنیادی) تنظیم شده است. عنبری در این فصل به تعریف مفاهیمی چون توسعه، مدرنیته، عقلانیت و... می‌پردازد و توسعه را در کانون یک نظام مفهومی و معنایی قرار می‌دهد که از قدرتی جادویی و شگفت‌انگیز برخوردار است. بخش دوم با عنوان گفتمان پیشرفت؛ قانون و اقتصاد در دو فصل پارادایم توسعه و پارادایم ضدتوسعه، به رشته تحریر در آمده است. نویسنده در فصل پارادایم توسعه زمینه شکل‌گیری، رویکرد بنیادی به موضوع، روش تحلیل، مکاتب و نظریه‌ها و رویکرد رشد و... را به چالش می‌کشد و در فصل پارادایم ضدتوسعه زمینه شکل‌گیری، نگاه بنیادی به موضوع، روش تحلیل، مکاتب و نظریه‌ها و مکتب ساختارگرایی توسعه، مکتب امپریالیسم، مکتب وابستگی و... را باز می‌کند. در بخش آخر گفتمان بازاندیشی؛ انسان و فرهنگ به این فصل‌ها (پارادایم با توسعه، توسعه انتقادی، توسعه وابسته، رویکرد مدرنیزاسیون بازاندیشانه، مکتب تنظیم و مقررات توسعه، توسعه مشارکتی و توسعه پایدار) می‌پردازد.

ورزش و تربیت بدنی



■ نقطه تأکید در این کتاب پرداختن به علوم ورزشی و ورزش است که در سال‌های اخیر رشد و بالندگی زیربنایی پیدا کرده است. این کتاب در چهاربخش کلی تنظیم شده است. دو بخش در جلد اول و دو بخش دیگر در جلد دوم آمده است. این بخش‌ها موقعیت‌های شغلی متعددی را در قلمرو تربیت‌بدنی، علوم ورزشی و ورزش تشریح کند و فرصت‌های شغلی سنتی، مانند تدریس و مربیگری در مدارس را به بحث می‌گذارد. آوست و آبوچر بر این نکته تأکید دارند که گسترش برنامه‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی و ورزش به محیط‌های غیرآموزشگاهی می‌تواند سبب ایجاد فرصت‌های مربیگری و تدریس در خارج از مدارس شده است.

اخلاق کتابداران



■ کتاب اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی در ۱۵ درس به رشته تحریر در آمده است. در این کتاب نویسندگان (قراملکی، درخشانی و شریفابادی) سعی دارند اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع‌رسانی را در دو رهیافت کلی منابع انسانی و سازمانی توسعه، مورد بررسی قرار بدهند. رهیافت نخست به بحث در مورد تعهدات و مسوولیت‌های اخلاقی کتابداران و کارشناسان اطلاع‌رسانی می‌پردازد و مرام اخلاقی منابع انسانی در این حرفه را تدوین می‌کند و رهیافت دوم، اخلاق کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی به عنوان یک سازمان را به میان می‌آورد و ارزش‌ها و اصول اخلاقی در کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی و مسوولیت‌های اخلاقی این سازمان‌ها را تدوین می‌کند.

مدیران دولتی



■ مبانی مدیریت دولتی اثر دکتر علی‌اصغر پورعزت در پنج‌بخش کلی از سبوی انتشارات سمت منتشر شد. نویسنده در مورد هدف نگارش این کتاب می‌نویسد: من نه مترصد پاسخ گفتن به سوالات گوناگون در حوزه علم اداره هستم و نه به این شیوه اعتقاد دارم! مهم‌ترین اعتقاد من تعلیم و تربیت و طرح پرسش و پاسخ‌های مکرر است. بخش اول با عنوان چپستی اداره دولت، در دو فصل (اداره مهم و حکمرانی و موضوع‌شناسی علم اداره) تنظیم شده‌است.

بخش دوم با عنوان عرصه‌ها و شاخه‌های حکمرانی نیز در دو فصل (عرصه‌های اقدام حکومت و تفکیک قوا و سیستم موازنه و مراقبه) به رشته تحریر در آمده است. پورزت بهترین عرصه اقدام حکومت‌ها را در اقتصاد، سیاست و فرهنگ می‌داند و به طور اصولی به این سه عرصه می‌پردازد. بخش سوم با عنوان تصمیم‌گیری برای اداره و مدیریت دولت و حکومت در پنج فصل (مبانی تصمیم‌گیری برای برنامه‌ریزی در سطح ملی، مبانی تصمیم‌گیری برای سازماندهی در سطح ملی، مبانی تصمیم‌گیری برای مدیریت منابع انسانی، مبانی تصمیم‌گیری برای رهبری و هدایت در سطح ملی، مبانی تصمیم‌گیری برای نظارت و بازرسی در سطح ملی) تنظیم شده است. پورعزت در بخش چهارم مسائل عمومی و مسوولیت‌های اجتماعی حکومت‌ها و چالش‌های بسط نظریه حکمرانی در عصر الکترونیسم و جهانی شدن را توضیح می‌دهد و در آخر نویسنده در بخش پنجم سیر نظریه‌های اداره و حکمرانی را باز می‌کند و می‌نویسد شغل دانشگاهی شغل جالبی است! شغلی است که باید نظریه‌ها را شناخت، نقد کرد و در صورت لزوم نظریه جدید مطرح کرد.